

سید مرتضیٰ مجتهد اهرمی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	سید جعفر
تاریخ تولد	اوایل سده ۱۳ قمری
محل تولد	—
تاریخ شهادت	۱۵ آبان ۱۳۱۰ شمسی
محل شهادت	رحلت در بوشهر
مسئولیت	
نوع عضویت	
شغل	
تحصیلات	
مدفن	امام زاده عبدالمهیمین بوشهر

زندگینامه

سید مرتضی مجتهد اهرمی، ملقب به علم الهدی، از روحانیون استعمارستیز ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود. وی در اهرم، مرکز تنگستان به دنیا آمد. در نوجوانی برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف رفت و نزد آخوند خراسانی تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد و سپس به بوشهر بازگشت.

فتوای جهاد سید مرتضی

در سال ۱۳۲۶ ق پس از بمباران و تعطیل مجلس توسط محمدعلی شاه قاجار، علم الهدی به فتوای سید عبدالحسین لاری و نیز اجتهاد خود بر ضد انگلیسی‌ها فتوای جهاد صادر کرد و رئیس علی دلواری را با صد نفر تفنگچی تحت امرش به بوشهر دعوت نمود و با کمک آنها و آزادی‌خواهان بوشهر، تمام ادارات دولتی را از دست نمایندگان دولت، خارج ساخت و خود رتق و فتق امور بندر را در دست گرفت و به عزل و نصب مأموران دولت پرداخت و تسلیم وجوه گمرک جنوب را به دولت انگلستان ^۱ که گمرکات بوشهر را در اختیار داشت ^۲ قطع نمود.

دستگیری و تبعید

از این رو به درخواست و فشار انگلیسی، احمدخان دریایی، حکمران بنادر جنوب و از عمال انگلستان، از طرف دولت مرکزی، مأمور قلع و قمع علم الهدی گردید. دریایی نیز خانه او را به توپ بست و سپس بدان حمله کرد و سید مرتضی را دستگیر نمود و او را با وضع زشتی در گوجه‌های بوشهر گرداندند و سپس زندانی کرد و پس از چندی به عتبات تبعید نمود. سید مرتضی در آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و بعداً به بوشهر بازگشت. وی در هنگام تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی، به نمایندگی از طرف اهالی بنادر به مجلس مؤسسان رفت و به تغییر سلطنت رأی داد و در ۱۳۰۷ در بوشهر درگذشت. او مردی شجاع و مجاهد و از مخالفان سرسخت نفوذ انگلستان در کشور بود. در هنگام دیدار رضاشاه از بوشهر در ۱۳۰۷ وی به همراه جمع دیگری از علما، در دارالحکومه آن شهر با وی دیدار کرد و ضمن سخنانی از وی خواست تا به نفوذ انگلستان در ایران پایان دهد.

منتقدین و مخالفین

نامه سردار اسعد به احمد خان دریایی در رابطه با اهرمی
جناب جلالت مآب دریایی حکمران بنادر دام اقباله و اعضای انجمن ولایتی دامت تأییداتهم

بحمدالله اردوی ملی باشکوه و وقار وارد، اهالی شهر با نهایت نشاط و مسرت پذیرایی و استقبال نمودند. پیش قراول اردو هم به منظریه مأمور شد و انشاءالله تعالی با موافقت و اتفاق حضرت سپهدار (محمد ولی خان تنگابنی) عازم تهران خواهیم شد. البته جناب اجل عالی و عموم اعضای انجمن ولایتی در ترتیبات و انتظامات بوشهر و تمام بنادر اهتمامات وافیه خواهید فرمود که ذره‌ای اختلاف و بی‌نظمی واقع نشود و انشاءالله تاکنون از شر زحمات و خرابکاری‌های سید مرتضی آسوده شده‌اید و رفع فتنه و فساد او را فرموده، منتظر اخبار ولایت و انتظامات آنجا خاطر این خادم ملت خواه را مسبوق و مسرور دارید (علی قلی بختیاری) [۵]

علی محمد حکمت بوشهری در کتاب خود به نام «گوشه‌ای از انقلاب مشروطیت در جنوب» می‌نویسد:

«من مدافع دریایی نیستم، به سوابق خوب و بد او هم کاری ندارم ولی دریایی هر که بود و هر چه بود کسی نبود که دست التماس به سوی امثال سید خرقانی دراز کند. او یکبار بعد از حکومت مرحوم عماد نظام و بار

دیگر پس از عزل میرزا رضا قلی خان سالار اعظم به حکمرانی بوشهر رسید و در هربار دست به کارهای خوب و بدی زد که در این جا از موضوع بحث ما خارج است. تصرف بوشهر و تمام دوائر دولتی آن از این نظر بسیار حائز اهمیت بود که در صورت ادامه آن و تجزیه بوشهر از آن روی که نیروهای مسلح و ضعیف دولت وقت توانائی مقابله با سلحشوران انقلابی نداشتند، اقتصاد سایر قسمت های دیگر کشور را نیز دچار رکود و فلج می کرد و این چیزی بود که سرانجام آن جز کناره گیری شاه مستبد چیز دیگری نمی توانست باشد.

در همین جریان بود که سیاست سیاه چهره کریه خود را آشکار ساخت و مرتضی اهرمی را برانگیخت تا با لجابت خود پیروزی درخشان «مجاهدین جنوب» را خدشه دار کند و چون مهم ترین دوائر دولتی آن روز اداره گمرک بود در آمد آن را دیپلماسی محیل انگلیسی در قبال قروض خارجی مطمئن ترین وثیقه تشخیص داده بود. برای این که در آمد آن کاملاً محفوظ و از هر گونه دست برد مصون بماند مرتضی اهرمی را که گمان خطائی درباره او نمی رفت به عنوان «ناظر» و «امین وصول» در آمدها، مأمور حفظ وصولی «گمرک» کردند؛ ولی سید با «انجمن» و «مجاهدین» طریق خصومت در پیش گرفت؛ که این رفتار باعث شد که فرصت به عوامل استبداد و عاملان بیگانه داده شود تا علیه آزادیخواهان دست به توطئه زنند و موضوع اختلاس وجوه «گمرک» با «بوق و کرنا» بهانه تبلیغ قرار گیرد.

سپس می نویسد:

«در همین هنگام مرحوم دریاییگی نیز به بوشهر آمد و مأموریت یافته بود آزادیخواهان جنوب را تنبیه کند و سر جای خود بنشاند؛ ولی او که مردی زیرک و وقت شناس بود بخوبی می دانست در افتادن با «انجمن اتحاد اسلامی» و آزادیخواهان غیور جنوب کاری بسی صعب و دشوار بلکه امری پر خطر است. از این رو زهرچشم خود را متوجه سید اهرمی که خشم و غضب زعما «انجمن» و مجاهدان انقلاب در حق خود برانگیخته بود کرد. با این کار چنین وانمود کرد که هم اوامر مرکز را اطاعت می کند و هم از خطری که از ناحیه «انقلابیون» در صورت درگیر شدن با «زعما انجمن» ممکن است دامن گیر او شود، اجتناب می ورزد.»

آنگاه ادامه می دهد:

«دریاییگی هوشیارانه سید اهرمی را در فشار گذاشت. سید هم به خیال رسیدن کمک در خانه خود متحصن و حصاری شد و به وسیله نامه از دلوارها و دشتستانها خواستار کمک گردید. دریاییگی ناچار دستور داد خانه او را به توپ بسته و او را از تحصن خارج و دستگیر سازند. پس از ویرانی خانه از صدمت توپ، مردم که ائتلاف وجوه گمرک را مغایر حیثیت انقلابی خود می دانستند سید را در میان گرفته و شخصی به نام «سید غریب» با دار و دسته اش او را در کوچه و بازار گردانیدند. هنگامی که مأمورین «انجمن» برای نجات او آمدند و از دست مردم عصبانی که عده او باش و ارادل هم قاطی آنها شده بودند نجاتش دادند، به جای این که اوامر زعما را اطاعت و خود را در اختیار انجمن قرار دهد از دست نجات دهندگان فرار کرد و به زیر بیرق کنسولگری انگلیسی گریخت و آن جا «بست» نشست.» [۶]

نوشته ای از دریاییگی در سال ۱۳۲۸ ق در رابطه با اهرمی

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از بوشهر به طهران، به تاریخ ۱۲ شهر سنبله (۳۰ شعبان)، آیت ثیل سنه ۱۳۲۸، نمره جواب ۱۷۱ دولتی، عدد کلمات ۱۴۰

مقام منبع آقای وزیر داخله سید اهرمی بعد از این که چهار هزار تومان از مالیات هیجده هزار تومان از گمرک، قریب ده هزار تومان اموال معزالدوله متجاوز از دویست تفنگ و طپانچه و فشنگ مال دولت قریب سه هزار تومان مال خارجه و داخله به غارت برداشت به نجف برد جسب الامر حضرت آیت الله خراسانی من بدبخت پانصد تومان او را تعمیر کردم متجاوز از پانصد خرج مهمانی و تشریف نجفشان شد. حالا هم از برای تشریف آوردن به بو

شهرشان چاکر ابدأ جرفی ندارد، مانعی که است این است که باید انگلیس‌ها را در طهران وزیر امور خارجه متقاعد کند و حضرت آیت‌الله هم چیزی به بوشهر به اهالی بنویسند و آن‌ها را متقاعد فرمایند. چاکر نه با سید اهرمی طرف است و نه از آمدن او دلتنگ. ۲۶ شعبان نمره ۸۲۵۲ چاکر احمد (ی) ۴۰۱ ط ۲ ب آ [۷] ۱۰۲۹۳۰۰۴۷۶

منابع

- مجموعه مقالات کنگره آخوند خراسانی، ج ۸، ص ۳۲۲.
- تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی دشتی، حبیب‌الله سعیدی نیا، نشر موعود اسلام، بوشهر (۱۳۸۳)، ص ۱۲۳ - ۱۲۷.
- تحلیلی بر عملکرد مشروطه خواهان بوشهر سایت آفتاب
- رئیسعلی دلواری (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیسعلی دلواری)، چاپخانه علوی بوشهر (۱۳۷۳)، ص ۲۱۹.
- حبل المتین، سال هفدهم. شماره ۳، رجب ۱۳۲۷ ق، ص ۱۶
- نمایش صفحات نتایج
- فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول، به کوشش دکتر محمد رنجبر، ۱۳۸۹، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۰



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران